

◇ فصلنامه علمی پژوهشی زن و فرهنگ

سال دوم، شماره هفتم، بهار ۱۳۹۰

صفحات: ۹۵-۱۰۷

تاریخ وصول: ۱۳۹۰/۳/۵ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۰/۷/۵

حجاب در ملل، ادیان و مذاهب

آیت شوکتی*

فاطمه حاجی قاسملو*

چکیده

در این مقاله بعد از تعریف لغوی و اصطلاحی حجاب، موضوع حجاب با نگاهی به تورات، انجیل و قرآن در دین یهود، مسیحیت، زرتشت و در دین اسلام و همچنین در میان ملیت‌های مختلف مانند اعراب و ایرانیان باستان و... بررسی شده و به اهداف تشریح پوشش در شرع مقدس اسلام اشاره شده است. در نهایت تفاوت اساسی حجاب اسلامی با حجاب ادیان دیگر، مشخص شده است.

کلید واژگان: حجاب، مسیحیت، اسلام، ایرانیان باستان

حجاب در لغت

«معنای لغوی کلمه‌ی «حجاب» که در عصر ما، برای پوشش زن معرفی شده، هم به معنی پوشیدن و هم به معنی پرده است؛ لیکن بیشتر استعمال آن معنی پرده می‌باشد و این کلمه از آن جهت مفهوم پوشش می‌دهد که پرده، وسیله‌ی پوشش است و آن پوشش حجاب نامیده می‌شود که از طریق پشت پرده واقع شدن صورت گیرد.» (خرقانی نقل از اکبری دستک، ۱۳۸۴: ۴۳)

«حجاب واژه‌ای عربی با معانی متعدد، مانند پوشش، وسیله‌ی پوشش و حایل می‌باشد در کتاب لسان‌العرب آمده که حجاب به معنای پوشش است. زن محجوبه یعنی زنی که به وسیله‌ای پوشیده شده است. همچنین، حجاب نامی است برای آنچه بدان خود را می‌پوشانند و جمع آن حجب است. در فرهنگ معین و عمید، برای حجاب معانی متفاوتی بیان شده است: پرده، ستر، نقابی که زنان چهره‌ی خود را بدان پوشانند، روی بند، برقع، چادری که زنان خود را بدان می‌پوشانند.» (اسماعیلی نقل از مجموعه مقالات، ۱۳۸۴: ۸۵)

حجاب در اصطلاح

«معنای اصطلاحی این واژه، متناسب با معنای لغوی آن است. معنای اصطلاحی حجاب، همان پوشش مخصوص زنان است؛ گاهی هم به معنای پرده و حجب می‌آید. کلمه‌ی حجاب، هم به معنی پوشیدن است و هم به معنی پرده بیشتر، استعمالش به معنی پرده است. این کلمه از آن جهت، مفهوم پوشش می‌دهد که پرده، وسیله‌ی پوشش است و شاید بتوان گفت که به حسب لغت، هر پوششی حجاب نیست؛ بلکه آن پوششی حجاب نامیده می‌شود که از طریق پشت پرده واقع شدن صورت گیرد. در قرآن کریم، در داستان سلیمان، غروب خورشید را این طور توصیف می‌کند (سوره‌ی ص آیه‌ی ۳۲): «یعنی تا آن وقتی که خورشید در پشت پرده مخفی شد.»

«همه‌ی ادیان آسمانی، از جمله دین مبین اسلام، حجاب و پوشش را واجب و لازم شمرده و افراد بشر، به ویژه زنان را به سوی آن دعوت کرده‌اند. حتی حجاب، در ادیان قبل از اسلام، به صورت شدیدتری وجود داشته و اسلام، تنها به تنظیم و قانونمند کردن و در پاره‌ای موارد، به تسهیل قانون حجاب پرداخته است. بهترین شاهد و گواه این امر، کتابهای مقدس، احکام دینی، آداب و رسوم و سیره عملی پیروان این ادیان است.

لزوم پوشش و حجاب به طور طبیعی در فطرت زنان نهاده شده است. احکام و دستورات ادیان الهی، هماهنگ و همسو با فطرت انسانی تشریح شده و از این رو، در همه‌ی ادیان الهی، پوشش و حجاب زن واجب گشته است. (میرزاجانی نقل از مجموعه مقالات، ۱۳۸۴: ۱۶۴-۱۶۳)

۱- حجاب در دین یهود

از مسلمات تاریخ این است که حجاب در بین زنان قوم یهود رواج داشته، تا آن جا که همه مورخان نه تنها از مرسوم بودن حجاب در میان زنان قوم یهود خبر داده‌اند، بلکه تصریح کرده‌اند که یهود در این زمینه، بسیار هم سختگیر بوده است.

«ویل دورانت» می نویسد:

در قرون وسطی، یهودیان نسوان خویش را بالبسه ی فاخر می آراستند، ولی به آنها اجازه نمی دادند که با سر عریان به میان مردم بروند. پوشاندن موی سر، خلافی بود که مرتکب راستوجب طلاق می ساخت. از جمله تعالیم شرعی، یکی آن بود که مرد یهودی نباید در حضور زنی که موی سرش هویدا است، دست دعا به درگاه خدا بردارد (دورانت، ترجمه طاهری، ۱۳۶۸، جلد دوازدهم، صفحه ۶۲).

یهود، حجاب را مختص زن نمی داند، بلکه از دیدگاه آنان مرد هم ملزم به رعایت حجاب مخصوصاً در نگاه است. به عنوان مثال، از جمله قوانینی که در «تلمود» آمده است، «اجتناب از نگاه به نامحرم توسط مردان» است که باز هم «ویل دورانت» در این باره می نویسد:

«پاره ای از آنها (علمای یهود) با این کلام «عیسی» موافق بودند که شخص ممکن است از راه چشم مرتکب زنا بشود، بعضی، پای مبالغه را از این نیز فراتر نهاده و مدعی بودند که: هر کسی حتی به انگشت کوچک زنی نظر کند، در قلبش مرتکب گناه گردیده است.» (احمدی، ۱۳۸۱، صفحه ۷).

۲- حجاب در دین مسیحیت

رواج حجاب در دین مسیحیت و وجوب رعایت آن از سوی زنان مسیحی، مطلبی است که هم کتب جدید، یعنی اناجیل به آن اشاره دارند و هم، سیره ی عملی زنان مسیحی شاهد و گواه بر آن است. «ابوالفضل حاذقی» می نویسد:

«در میان مسیحیان و اروپائیان، حجاب، معمول و متعارف بوده و این عادت تا قرن سیزدهم سخت بود و از آن تاریخ به بعد، رو به تخفیف گذاشت.» (حاذقی، ۱۳۶۵، صفحه ۱۶۰).

بنابراین، مسیحیت که بعد از شریعت یهود به مقصد ظهور رسید، نه تنها احکام سخت شریعت یهود را در مورد حجاب تغییر نداد و آن را استمرار بخشید، بلکه در برخی موارد آن را تشدید هم نمود. جرجی زیدان^۲ که یک دانشمند مسیحی است می نویسد:

«اگر مقصود از حجاب، پوشانیدن تن و بدن زن است که این وضع، قبل از اسلام و حتی پیش از ظهور دیانت مسیح هم، معمول بوده و دیانت مسیح تغییری در آن نداده و تا اواخر قرون وسطی در اروپا معمول بوده و آثار آن، هنوز در خود اروپا باقی مانده است.» (زیدان، ترجمه جواهر الکلام، ۱۳۸۲، صفحه ۹۴۹).

۳- حجاب در دین زرتشت

از جمله آیین ها و ادیان الهی که در سرزمین ایران شکل گرفت، دین زرتشت است. مشکور (۱۳۶۸، صفحه ۹۲) می نویسد:

«دین مزدیستی» یا خداپرستی که به نام پیشوای آن «زرتشت، زرتشتی» خوانده می شود، قرنهای پس از جدایی آریایی های ایرانی از هندی، در فلات ایران گسترش یافت. آریایی های ایرانی و هندی در روزگار بسیار قدیم با هم می زیستند و سپس از هم جدا شدند؛ آریایی های هندی از رود سند گذشته

۱. Wil Dorant

۲. Georgy Zeydon

و به خطه‌ی پهن‌اور هند سرازیر شدند، اما آریایی‌های ایرانی که به سوی مغرب مهاجرت کرده بودند، در شرق فلات ایران مسکن گزیدند و نام خود را بر این سرزمین نهاده و آن را «ئیریانه» یعنی «ایران» خواندند.

در ایران پس از «داریوش»، زنان طبقات بالای اجتماع، بر تخت روان روپوش دار از خانه بیرون می‌آمدند و هرگز به آنان اجازه داده نمی‌شد تا با مردان رفت و آمد کنند. زنان شوهردار حق نداشتند هیچ مردی را ولو پدر یا برادرشان باشد، ببینند (دورانت، ترجمه طاهری، ۱۳۶۸، جلد اول، صفحه ۵۵۲). در نقش‌هایی که از ایران باستان باقی مانده، هیچ صورت زنی دیده نمی‌شود و نامی از ایشان به نظر نمی‌رسد. به نظر می‌رسد آنچه ویل دورانت آن را تنزل موقعیت زنان (تشدید حجاب از زمان داریوش) می‌خواند، تفاوتی است که بین زنان طبقه اشراف و دیگران (دیگر زنان) پدید آمد زیرا، زنان اشراف، علاوه بر چادر و چارقدی که همه‌ی زنان ایرانی به سر می‌کردند، در خارج از منزل، رویند (برقع) یا محمل‌های پرده دار استفاده می‌کردند. این نوع پوشش، نه تنها دلیل تنزل موقعیت زنان نبوده، بلکه نشانگر تشخیص و منزلت آنان به شمار می‌رفته است (جواهری، ۱۳۸۱، صفحه ۳۷۸).

۴- حجاب در دین اسلام

حجاب و لزوم پوشیدگی زن در برابر مرد بیگانه، از ضروریات دین مبین اسلام است. حجاب جزئی از تمدن، فرهنگ و آداب و رسوم اسلامی و شریعت الهی است. حجاب قانون الهی است که دین اسلام، برای سلامت فرد و جامعه، آن را به مراتب سهل‌تر و شفاف‌تر از آنچه در سایر ادیان بوده، وضع نموده است. ضرورت زندگی اجتماعی، ارتباط بین زن و مرد نامحرم را اقتضای کند و اسلام، به عنوان آخرین و کامل‌ترین دین الهی، با وضع مقررات مربوط به حجاب توانسته است روابط سالم میان زن و مرد را در خانواده و جامعه تحکیم بخشد. آنچه مسلم است این است که پوشش، از مختصات اسلام نیست؛ به عبارت دیگر، اسلام مبتکر آن نمی‌باشد، بلکه قبل از اسلام، حجاب و پوشش در میان مردم جهان معمول و متداول بوده است. در واقع، زن از دیدگاه اسلام، دارای شخصیتی شایسته و موقعیتی الهی است که می‌تواند مدارج کمال را طی کرده و به مراتب عالی انسانیت دست یافته و مصداق تحقق فلسفه‌ی خلقت، یعنی خلیفه‌ی خدا گردد. وجود زن، زینت بخش آفرینش انسان و افق روح او، تجلی‌گاه رحمت است. دامن زن، مدرسه‌ی بشر است و کمال مرد، بدون او ممکن نیست. اصلاح جامعه در گرو تقوای زن و محیط خانواده، کلاس درس اوست. بر همین اساس، زن، مربی بشر است و می‌تواند با تربیت فرزندی، امتی را نجات دهد (میرزاجانی نقل از اکبری دستک، ۱۳۸۴: ۱۶۴-۱۶۶).

«پوشش و حجاب، مسأله‌ای است که در فطرت انسانها وجود داشته و زن و مرد به آن تمایل ذاتی دارند. تشریح حکم پوشش نیز، براساس دستیابی به هدف کمال و علو انسان و به منظور حفظ سلامت و عفت جسم و روح و باقی ماندن بر کرامت انسانی (به خصوص حفظ شخصیت و کرامت والای زن) پایه‌گذاری شده تا فقط در گیرغرایز حیوانی نبوده و به تبع آن مرحله‌ی پرخطر دنیوی، به مرتبه‌ی احسن تقویم خود در جهان پرشکوه و متعالی آخرت دست یابد.

با نگاهی به قرآن، تورات و انجیل و مقایسه‌ی آیات آنها با یکدیگر، مشاهده می‌شود که در ادیان

آسمانی پیشین و همچنین، در دین مقدس اسلام، به حیا، عفت و پاکدامنی - به عنوان عنصر مصون کننده ی حیات اجتماعی بشر از شرّ آفات خود کامگی ها و جهالت ها - توجه و دقت ویژه ای مبذول شده تا زن و مرد در جامعه به فعالیت سالم پرداخته و خصوصاً زن، به عنوان یک انسان ساز، آزادانه بتواند در جامعه ی اسلامی به فعالیت و نقش آفرینی موثر خود بپردازد و صرفاً جسم زنانه ی او، مدنظر نباشد؛ بلکه، استعدادها، کارایی ها و کمالات روحی و معنوی او ملاک حضور وی قرار گیرد.» (شناسوند نقل از اکبری دستک، ۱۳۸۴: ۱۷۶).

«قرآن کریم در بیان داستان آدم و حوا به میل فطری انسان برای پوشش اشاره نموده و می فرماید: ﴿فَلَمَّا ذَاقَا الشَّجَرَةَ بَدَتْ لَهُمَا سَوْآتُهُمَا وَطَفِقَا يَخْصِفَانِ عَلَيْهِمَا مِنْ وَرَقِ الْجَنَّةِ﴾ (اعراف/۲۲)

«پس چون آن دو از میوه ی آن درخت ممنوع چشیدند، برهنگی هایشان بر آنان آشکار شد و به چسباندن بر گهای درختان بهشت بر خود آغاز کردند.»

پیام این آیه، میل فطری انسان به پوشش و گریز از عریانی است. حال، سوالی مطرح می شود و آن این که با وجود فطری بودن میل به پوشش، آیات کتاب مقدس که مشتمل بر تورات و اناجیل است، قانونی برای تأمین این میل فطری دارد یا خیر؟ به عبارت دیگر، از آنجا که ستر و پوشش به عنوان ابزار تأمین کننده ی عفت، فطری و شأنی از شئون انسان است، آیا در جهان بینی های غیر اسلامی نیز، مورد اهتمام واقع شده است؟» (مجموعه مقالات، ۱۳۸۴: ۱۵۴)

«اهداف تشریح پوشش در شرع مقدس اسلام عبارتست از:

- ۱- حفظ کرامت انسانی زن
- ۲- جلوگیری از انحطاط شخصیت زن و فرو غلتیدن او در چاه ارضای غرایز
- ۳- استحکام بخشیدن به پیمان مقدس زناشویی و تحکیم بنیان های خانواده
- ۴- حفظ سلامت اجتماع» (جعفری نقل از مجموعه مقالات، ۱۳۸۴: ۱۵۴ و ۱۵۵)

«از آنجا که عفت و تمایل به پوشش، از فطرت انسان نشأت گرفته و با توجه به این که همه ی ادیان آسمانی به منظور ارشاد و راهنمایی انسان و سوق دادن او به صراط مستقیم تکامل و عبودیت، رخ نموده اند، لذا باید نگرشی همچون نگرش اسلام به انسان داشته و اهدافی نظیر اهداف قرآن از تشریح حجاب را مورد نظر داشته باشند.

اگر چه در تعالیم کتاب مقدس - عهد قدیم و عهد جدید - تعالیم صریح، جامع و کامل و همراه با ارشادات اخلاقی - آن چنان که در قرآن دیده می شود - به چشم نمی خورد، اما خالی از این مطالب نیز نمی باشد. در عهد قدیم، تأکید و تشویق فراوانی بر التزام زن به خانه - به عنوان یکی از مظاهر حفظ عفت - به چشم می خورد. در عهد قدیم، زن عقیفه ی ملترم به خانه، مورد مدح قرار گرفته است. «زن نیکو سیرت، عزت را نگاه می دارد؛ مانند نیرومندان که اموال را حفاظت می نمایند.» و در مذمت زنان غیر عقیفه ی رها از خانه چنین آمده است: «زن ابله، هرزه گو، ساده و هیچ مدان است و به در خانه ی خود و یا در بلندی های شهر بر کرسی می نشیند تا آن که عابران را آواز نماید.» «حیا، عفاف و میل به

پوشش، در انسان فطری بوده و در تأمین سعادت و سلامت معنوی اجتماع موثر می باشد. از این رو، ادیان الهی بر این مسئله اهتمام ورزیده اند. اما اهتمام قرآن کریم به مسأله ی حرمت و کرامت زن و توجه فوق العاده ی آن بر تحکیم بنیان های خانواده و سلامت بخشی به اجتماع بشری موجب گشته تا تعالیم و تشریحات قرآن کریم به صورتی صریح، جامع و همه جانبه، رخ نماید.» (نعمتی نقل از مجموعه مقالات، ۱۳۸۴: ۱۵۵، ۱۵۷ و ۱۵۹)

«ویل دورانت در باب ایرانیان باستان مسئله حجاب نزد ایشان چنین می نویسد: ایرانیان باستان حجاب سختی را اعمال می کردند که حتی پدران و برادران نسبت به زن شوهردار نامحرم شمرده می شدند.» (محمدزاده و سلیمانی، ۱۳۸۴: ۵۸)

«در ایران باستان و در هنگامه ی رواج مذهب زرتشت در میان ایرانیان همچنان مسئله پوشش زن در صدر توجهات قرار داشته است، امری که امروزه نیز در مراسم عبادی ایشان به وضوح قابل رؤیت است. روش عملی زنان زرتشتی، جامعه ویژه زرتشتیان، لزوم پوشاندن موی سر در مراسم عبادی و حرمت نگاه به زنان و پند و اندرزهای دینی، نشانگر حجاب در آیین زرتشت و بیانگر حد و کیفیت حجاب از دیدگاه آنان است. با توجه به متون تاریخی در زمان زرتشت اگر چه زن با آزادی در محیط بیرون از خانه رفت و آمد می کرده و یا همپای مردان به کار می پرداخته است ولی این امور با حجاب کامل و پرهیز شدید از اختلاط فسادانگیز همراه بوده است.» (محمدزاده و سلیمانی، ۱۳۸۴: ۵۹)

«گزارشات تاریخی تصاویر تاریخی مسیحیان هنگام عبادت و همچنین نحوه حضور ایشان در انجام امور عبادی در کلیسا که در روزگار معاصر نیز قابل مشاهده است شواهدی هستند مبنی بر تأیید آموزه های معطوف به حجاب در

نزد مسیحیت. در دین یهود نیز مسئله حجاب در صدر توجه آموزه های این دین قرار داشته است. چنانچه ویل دورانت در این خصوص خاطر نشان ساخته است: اگر زنی به نقص قانون یهود می پرداخت مثلاً بی آنکه سر را بپوشاند به میان مردم می رفت یا با هر سنجی از مردان درد و دل می کرد و یا صدایش آن قدر بلند بود که چون در خانه تکلم می کرد همسایگانش می توانستند سخنان او را بشنوند در این صورت مرد حق داشت بدون پرداخت مهریه او را طلاق دهد.» (محمدزاده و سلیمانی، ۱۳۸۴: ۵۹، ۶۰).

«زنان ایران با گذشته ی درخشانی که داشتند، همواره عالمان، تاجداران، خردورزان، سیاستمداران و جنگجویان وطن پرست را در دامان خود پروریده و به جامعه ی انسانی تحویل داده اند. با گذشت زمان و دگرگونی دوران، به علت مقتضیات سیاسی و مشکلات جهانی، مانند تاخت و تاز مهاجمین و اجانبی چون ترکان غز، مغولان، ایلخانان وحشی، ازبکان و غیره، فرصت هایی پیش آمد که مردان این مرز و بوم از معاشرت زنان خود با بیگانگان دچار ترس و تعصب گردیدند. لذا بر اساس غیرتمندی و عزت خواهی، به یکباره زنان ما خانه نشین شدند و برای این که گاهی برای انجام کارهای ضروری ناچار بودند که از خانه خارج شوند، خود را در پوششی ضخیم و نامناسب و بد شکل مخفی می کردند.» (برهان لیموده ی نقل از اکبری دستک، ۱۳۸۴: ۱۹).

«حجاب و پوشش همان طوری که در سایر ادیان توحیدی امری لازم و ضروری بوده است در آیین

مسیحیت نیز طبق گفته های بزرگان و روحانیون این دین در اوایل مسیحیت بر آن تأکید شده است. از جمله این که: زن باید کاملاً در حجاب پوشیده باشد مگر آن که در خانه باشد؛ زیرا فقط لباسی را که او را می پوشاند، می تواند از خیره شدن چشمها به سوی او مانع گردد. زن نباید صورت خود را عریان ارائه دهد تا دیگری را با نگاه کردن به صورتش وادار به گناه نماید. برای زن مومن عیسوی در نظر خداوند پسندیده نیست که به زیور آراسته گردد و حتی زیبایی طبیعی او باید با اختفا و فراموشی آن از بین برده شود؛ زیرا برای بینندگان خطرناک است. تزیین موی سر و آرایش آن و تنظیم آنها در آینه فقط از خصوصیات زنانه است که شرم و حیا را از دست داده اند.»

«به نظر می رسد حجاب و پوشش در میان اعراب حجاز تا قبل از اسلام چنین رسمی وجود نداشته است، اما نوعی از حجاب در میان یهودیان و مسیحیان مطرح بود به ویژه برای هنگامی که زنان در مناسک و عبادات شرکت می جستند و دور نمی نمایند که مسلمانان هم تا قبل از نزول آیات مشهوره به آیات حجاب، از همان نمونه هایی که در میان یهود و مسیحیت بود پیروی کرده باشند. به عنوان نمونه، زنان در معبد خداوند و به هنگام نیایش می بایست سر خود را می پوشانیدند و حضورشان بدون روسری ممنوع بود. این امور در میان مسیحیت آن روزگار سنت شده بود؛ در حالی که زنان و مردان برخی از قبایل عرب در آن روزگار مناسک طواف کعبه را کاملاً عریان و بدون هیچ پوششی به جای می آوردند و در سال نهم هجرت بود که بنا به درخواست پیامبر (ص) این رسم برداشته شد و قرار شد زن و مرد دارای پوشش باشند.» (خرقانی نقل از مجموعه مقالات، ۱۳۸۴: ۵۸)

«دین مقدس، حساسیت زیادی نسبت به این مسأله داشته و دستور پوشش و حجاب و عفاف برای بانوان به صورت یک فریضه در همین راستاست و این تدبیری است که هماهنگ با فطرت خود زن هم هست. زیرا، او فطرتاً به پوشش و عفاف گرایش دارد و این قانون الهی، موبد ندای فطرت می باشد.» (محمدی تبار نقل از مجموعه حجاب و پوشش و آراستگی، ۱۳۸۴: ۶۸)

«یکی از اهداف اسلام در رابطه با حجاب و پوشش زن این است که از آفات و شرور فتنه انگیزان و شهوت پرستان محفوظ بماند، زیرا زن در مثال گل است که باغبان به هر نحو ممکن باید در حفاظت گل بکوشد.» (تاج لنگرودی، ۱۳۷۵: ۹۹)

«زن در نگاه اسلام از جایگاه بلند و منزلتی عظیم برخوردار است. اسلام برای تحفظ از این جایگاه، تدابیر گوناگونی اندیشیده است. بی گمان بخش عظیمی از نقش حراست و حفاظت از این منزلت را خود زن باید عهده دار باشد. اوست که باید با رعایت عفاف و حراست از حریم و لایش، آزمندی بیمار دلان را سد کند.» (فتاحی زاده، ۱۳۷۹: ۱۴۰)

«در اسلام زن از یک منظر در جایگاه والای گشتگاه انسانیت قرار می گیرد و از او نه به عنوان ابزار کسب تمتع و لذت بلکه به عنوان مؤلفه ای کاملاً اساسی در امر بقای بشر یاد می گردد نساء کم حرث لکم فاتوا حرثکم انی شتمم: زنان شما کشتزار شمایند پس برای کشت (فرزند صالح) به آنها نزدیک شوید (بقره ۲۲۳)

اسلام نگاهی جدید به زن ارائه کرد که حاصل آن برکشیدن خط بطلان بر هر گونه تفکر منحرف در

باب این جنس، معرفی او به عنوان یک انسان، خارج ساختن وی از حالتی فرودست و شی گونه و در نتیجه پیوند دادن بقای بشریت به وجود او بود» (محمدزاده و سلیمانی، ۱۳۸۴: ۳۶)

«در ادبیات اسلام مسئله پوشش و به ویژه پوشش خاصی که متوجه زن شده است، از سه منظر قابل پی جویی است. اول وجود مفاهیمی چون لباس، ستر، حجاب، ثوب، کساء و مواردی که پوشش مادی و معنوی انسان و در عین حال زنان را مورد توجه قرار داده است و همچنین آیات و روایات عدیده ای که در این خصوص می توان احصاء کرد. دوم، توجه دین اسلام به گونه هایی خاص از حجاب زنان مانند خمار، جلباب و... که زنان را مکلف به استفاده از آن می نماید و سوم، ارائه راهکارهایی چون پرهیز از خودنمایی، عفاف و رزیدن و حیاء داشتن و... که حجاب و پوشش اعضاء و جوارح را مورد توجه قرار می دهد.» (محمدزاده و سلیمانی، ۱۳۸۴: ۶۵)

«شاید یکی از اساسی ترین دلایل اهتمام اسلام به نفس پوشش توجه به مقام ربوبی به روح تنوع طلب انسانی است، روحی که اگر مهارت از منطق و عقلانیت را فراروی خود مشاهده نکند مسیر کمال را فروگذارده به مسیری نزولی روی خواهد آورد. نکته ظریف و در عین حال علمی این امر آن است که غریزه جنسی در وجود آدمیان از دو جنبه جسمانی و روحی برخوردار است که اگر چه جنبه اول سیری پذیر می باشد اما بعد دوم ارضا شدنی نمی باشد. فلذا می توان گفت بطور کلی در طبیعت انسانی از نظر خواسته های روحی، محدودیت در کار نیست، انسان به جهت روحی طالب بی نهایت آفریده شده است.» (محمدزاده و سلیمانی، ۱۳۸۴: ۶۶)

«زن در اسلام، همان مقام شامخ انسان را دارد، زیرا زن و مرد در انسان بودن تفاوتی ندارند. اگر انسان در قرآن خلیفه الله معرفی شده و مورد کرامت قرار گرفته است ما آدمی زادگان را گرامی داشتیم و در خشکی و دریا بر مرکب سوار کردیم و از طیبات روزی دادیم و بر بسیاری مخلوقات برتری عطا کردیم.» (امینی، ۱۳۸۴: ۱۱)

«اسلام، زن و مرد را دو رکن اجتماع می داند که در پیدایش، تشکیل، اداره و بهره گیری از جامعه نقشی مشترک دارند. زن و مرد در جامعه زندگی می کنند و از نتایج خوب اجتماع صالح و آثار بد جامعه فاسد، به طور مساوی بهره منداند. بنابراین، مسئولیت اداره صحیح و اصلاح جامعه نیز بر عهده زن و مرد خواهد بود. خداوند متعال در قرآن می فرماید:

وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضُهُمْ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُقِيمُونَ
الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَيَطِيعُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ أُولَئِكَ سَيَرْحَمُهُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ

مردان و زنان مؤمن اولیای یکدیگرند، امر به معروف و نهی از منکر می کنند و نماز را بر پا می دارند و زکات می دهند. از خدا و رسول خدا اطاعت می نمایند و اینان مورد رحمت خدا واقع می شوند و خدا پیروز و حکیم است. (توبه آیه ۷۱)» (امینی، ۱۳۸۴: ۱۷)

«زن مظهر جمال و مرد مظهر شیفتگی است، قهراً به زن باید بگویند خود را در معرض نمایش قرار ندهد، نه به مرد، لهذا با اینکه دستور پوشیدن برای مردان مقرر نشده است، عملاً پوشیده تر از زنان از منزل بیرون می روند، زیرا تمایل مرد به نگاه کردن و چشم چرانی است، نه به خود نمایی، و برعکس

تمایل زن بیشتر به خود نمایی است نه به چشم چرانی. تمایل مرد به چشم چرانی بیشتر زن را تحریک به خودنمایی می کند و تمایل به چشم چرانی کمتر در زنان وجود دارد، لهذا مردان کمتر تمایل به خود نمایی دارند. و به همین جهت تبرج از مختصات زنان است. (مطهری، ۱۳۴۷: ۱۲۸) «از نظر اسلام زن در خلقت انسانی کامل است. نهایت کمال و جلوه نظام آفرینش در این است که هر موجودی در نقش حقیقی خود جلوه کند و به سوی کمال گام بردارد و نیروهای بالقوه خود را به فعلیت رساند. خداوند، همه موجودات را در جای خود مطابق با حکمت آفریده است: گل را با طراوت، زمین را سخت، آب را سیال و... و کمال هر یک از آن ها در این است که ویژگی های خود را حفظ کنند.» (مصطفوی و جعفری ورامینی، ۱۳۸۲: ۲۷)

«دستورات انسان ساز اسلام برای درمان دردهای مختلف جامعه ی انسانی تشریح و قانون گذاری شده است، افراد اگر خواهان سلامت و سعادت خویش هستند باید این قوانین را به دقت به کار گیرند و در متن زندگی خود قرار دهند. حجاب و عفاف که یکی از همین قوانین مترقی و حیات بخش اسلام است باید سرلوحه ی برنامه ی زندگی افراد به ویژه بانوان مسلمان باشد و تا مادامی که زنان جامعه ی ما ضرورت به کارگیری این قانون مقدس را با تمام وجودشان لمس نکنند و در متن زندگی خویش قرار ندهند و تازمانی که مردان جامعه ی ما عفاف و پاکدامنی را پیشه ی خود نسازند، ما همچنان، شاهد آمار روزافزون مفاسد اخلاقی و معضلات فرهنگی خواهیم بود؛ لذا، تنها راه حل این نابسامانی ها و بیرون آمدن از مشکلات، یک چیز است و آن هم، پایبند بودن به تمام دستورات انسان ساز اسلام و آراسته شدن به عفاف و پاکدامنی است.» «دین مقدس اسلام برای زن، همچون مرد، مقام والایی قائل است و آن دور از یک سرشت و حقیقت می داند؛ و در جای دیگر فرموده: خداوند از جنس خود شما برای شما همسر آفرید. و برای بیان جایگاه ویژه ی حقوقی زن، سوره ای به نام سوره نساء (بانوان) نازل کرده که در آن سوره، مسائل و حقوق زن مطرح شده است.» (محمدی تبار نقل مجموعه مقالات، ۱۳۸۴: ۶۶)

«تفاوت اساسی حجاب اسلامی با حجاب ادیان گذشته در این است که اسلام، و خوب پوشش زنان را متناسب با شئون انسان، با تعدیل و نظم مناسب و به دور از افراط و تفریط، سهل انگاری های غیر مفید یا سخت گیری های بی مورد، به جامعه ی بشری ارزانی داشته است. حجاب اسلامی، به معنای ماندن جنس زن در خانه یا پرده نشینی و دوری از شرکت در مسائل اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، علمی و فرهنگی نیست، بلکه بدین معناست که زن در معاشرت خود با مردان بیگانه، موی سر و اندام خویش را پوشاند و به جلوه گری و خودنمایی نپردازد تا موجب تحریک و طغیان غریزه ی سیری ناپذیر جنسی خود و افراد جامعه نشود و این موضوع، در محیط خانواده و به صورت کاملاً صحیح، مشروع، قانونمند و انسانی ارضا شود.

از این رو، قرآن کریم به مسأله ی پوشش و حفظ عفت، اهتمام کامل ورزیده و رعایت حجاب را موجب حرمت یافتن زن، حفظ کرامت انسانی وی، استحکام بخشیدن به پیمان مقدس زناشویی و تحکیم بنیان خانواده و در نتیجه، حفظ سلامت جامعه می داند. «(شناسوند نقل از اکبری دستک، ۱۳۸۴: ۱۹۳)

«حجاب در اسلام، از یک مسأله ی کلی تر و اساسی تر ریشه می گیرد و آن، این است که اسلام

می‌خواهد انواع التذاذهای جنسی، چه بصری - لمسی و چه نوع دیگر، به محیط خانوادگی و در کادر ازدواج قانونی اختصاص یابد و اجتماع، منحصرأ برای کار و فعالیت باشد. برخلاف سیستم غربی عصر حاضر که کار و فعالیت را با لذت جویی‌های جنسی به هم می‌آمیزند، اسلام می‌خواهد این دو محیط را کاملاً از یکدیگر تفکیک کند.» (عبالحسینی نقل از اکبری دستک، ۱۳۸۴: ۱۰۱)

حجاب در قرآن:

«احکام مربوط به حجاب و پوشش اسلامی در دو سوره‌ی قرآن ذکر شده است. یکی در سوره‌ی مبارکه‌ی نور و دیگری در سوره‌ی احزاب. در آیه‌ی ۳۱ سوره‌ی نور آمده است:

«وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ...: به زنان مؤمنه بگو، دیدگان خویش فرو خوابانند و دامن‌های خویش حفظ کنند و زیور خویش آشکار نکنند مگر آنچه پیداست، سرپوش‌های خویش بر گریبانها بزنند مگر برای شوهران یا پدران یا پسران یا پسر شوهران یا برادران یا برادرزادگان یا خواهرزادگان یا زنان یا مملوکانشان یا مردان طفیلی که نیاز به زن ندارند یا کودکانی که از راز زنان آگاه نیستند (یا بر کامجویی از زنان توانا نیستند) و پای به زمین نگویند که زیورهای پنهانشان دانسته شود، ای گروه مؤمنان همگی به سوی خدا توبه کنید که رستگار شوید.»

در این آیه تأکید شده که زنان باید پوشش داشته باشند و آرایش و زیور خود را بر دیگران آشکار نسازند و درصدد تحریک و جلب توجه مردان برنیایند.

دو استثناء برای لزوم پوشش بانوان در آیه ذکر شده که یکی با جمله‌ی «و لا یبدین زینتهن الا ما ظهر منها» بیان شده است و نسبت به عموم مردان است و دیگری با جمله‌ی «و لا یبدین زینتهن الا لبعولتهن» ذکر شده و نداشتن پوشش را برای زن، نسبت به گروه خاصی تجویز می‌کند. قرآن در آیه‌ی فوق نیز به مانند آیه‌ی قبلی که درباره‌ی مردها بود، دو دستور صادر می‌کند؛ یکی ترک گناه و دیگری پاکدامنی (پوشانیدن عورت) یعنی آنچه درباره‌ی مردها دستور داده شده، عیناً درباره‌ی زنهای نیز سفارش گردیده و هیچ تبعیضی مابین زن و مرد قایل نشده است.» (محمدی تبار نقل از مجموعه مقالات، ۱۳۸۴: ۷۲)

«در خصوص کلمه حجاب، بطور مشخص می‌توان آن را در ۷ موضع قرآنی به صراحت مشاهده کرد: سوره اعراف آیه ۴۶ به معنای حائل و عامل جدایی دوزخیان از بهشتیان. مریم آیه ۱۷ به معنای هر حائلی که سایر چیزها را از خدا می‌پوشاند. سوره اسراء آیه ۴۵ به معنای حائل میان مومنان و غیر مومنین به خدا، احزاب آیه ۵۳، سخن گفتن زنان پیامبر از پشت پرده با سایرین، سوره ص آیه ۳۱ به معنای ناپدید شدن یک چشم از مقابل دیدگان و سوره شوری آیه ۵۱ به معنای تکلم خدا با بندگان از پشت یک مانع.

دقت در جمله این آیات نشان می‌دهد که حجاب در ادبیات اسلامی به معنی پرده، مانع و گونه‌ای حائل میان دو کس می‌باشد و بدیهی است هنگامی که از حجاب زن و ضرورت آن در ادبیات اسلام سخن گفته می‌شود گونه‌ای پوشش معطوف به عدم اختلاط میان زن و مرد مراد می‌باشد.

در ادبیات اسلامی و قرآنی به منظور ملموس شدن مسئله حجاب و پوشش زن از گونه‌هایی پوشش

با عنوان جلاب و خمار استفاده شده است و بدیهی است که شناخت این گونه از پوشش ها، از نظر اسلام در باب حجاب و انتظارات این دین را از زنان مسلمان در خصوص پوشش شان روشن می سازد» (محمدزاده و سلیمانی، ۱۳۸۴: ۶۷)

«اسلام در قالب آموزه های خود اعم از آیات و روایات می کوشد تا چارچوبه ای مستحکم را ترسیم نماید که در سایه آن هویت حقیقی زن باز شناخته گردد و محفوظ و مصون داشته شود. بر این اساس تاکیدات آیات و روایات بر دو مقوله عفت و حیا به عنوان ثمره آن بستر ساز به انجام رسیدن چنین حرکتی محسوب می شوند.» (محمدزاده و سلیمانی، ۱۳۸۴: ۷۱)

«مهم ترین آیه حجاب در قرآن آیه ۳۰ نور است که می خوانیم:

قل للمومنات یغضضن من ابصارهن ویحفظن فروجهن ولایبدین زینتهن الا ماظهر منها ولیضربن بخمرهن علی حیوبهن ولایبدین زینتهن الا لبعولتهن...

یعنی ای پیامبر به زنان با ایمان بگو دیدگان خود را (از نگاه به نامحرم) فرو خوابانند و دامن عفت خود را حفظ کنند و زینت و آرایش خود را جز آنکه قهراً آشکار می شود بر بیگانه آشکار ن سازند، و باید به وسیله مقنعه و چارقد سینه و گردن خود بپوشانند و زینت خود را آشکار ن سازند جز برای شوهران و سایر افراد محرم خود.» (محمدی اشتهاردی، ۱۳۵۷: ۳۸)

«بر همگان روشن است که حجاب اسلامی، نقش اساسی در حفظ نسل و تامین پاکی اساس خلقت نسلهای آینده دارد چرا که زن مریی جامعه است و انسانها از دامن او پیدا می شوند، اگر او دامن خود را در پناه پوشش، حفظ کند سعادت انسانهای آینده را پایه ریزی نموده است.» (محمدی اشتهاردی، ۱۳۵۷: ۷۲)

«در خیلی از سوره های قرآن کریم، از جمله نور، احزاب، اعراف و احادیث و روایات آمده، چنین نتیجه ای حاصل می شود که مسأله ی حجاب و پوشش، یک امر ذاتی و فطری است که آدم و حواری بر آن داشت تا از حجب و حیا و عفتی که خداوند در وجود آنها نهاده بود از پوست و برگ درختان، خود را از زشتی های آشکار شده بپوشانند. این امر، برای تمام فرزندان آدم نیز فرض شده و در فطرت آنها قرار داده شد تا لباس زیبای حجاب بر تشنه آراسته گردد. در اصل، حجاب و پوشش زنان، بیش از آن که موجب حفظ امنیت و مانعی برای تعرض به ایشان باشد، وسیله ای است برای این که مردان را از شرّ تحریکات جنسی در امان بدارد.» (خرقانی نقل از اکبری دستک، ۱۳۸۴: ۴۳)

«وظیفه پوشش که اسلام برای زنان مقرر کرده، بدین معنی نیست که از خانه بیرون نروند؛ همچنین، زندانی کردن و حبس کردن زن نیز، در اسلام مطرح نیست. پوشش زن در اسلام بدین معنا است که زن در معاشرت خود با مردان، بدن خود را بپوشاند و به جلوه گری و خودنمایی نپردازد. آیات مربوطه، همین معنی را ذکر می کنند و فتوای فقها نیز، مؤید چنین مطلبی است. در آیات مذکور، لغت حجاب به کار نرفته، یعنی چه در سوره ی مبارکه ی نور و چه در سوره ی مبارکه ی احزاب، حدود پوشش و تماس های زن و مرد ذکر شده، بدون آن که کلمه ی حجاب را به کار برده باشد. آیه ای که در آن کلمه ی «حجاب» به کار رفته، مربوط به زنان پیغمبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) می باشد. در قرآن کریم درباره ی زنان پیغمبر، دستورهای خاصی وارد شده است. اولین آیه خطاب به

زنان پیغمبر با این جمله آغاز می‌شود: «یا نساء النبی لستنّ كأحدٍ من النساء» یعنی «ای همسران پیامبر! شما مانند هیچ یک از زنان (دیگر) نیستید.»

«حجاب اسلامی به معنای پرده نشینی و محرومیت از حضور در صحنه‌ی فعالیت‌های اجتماعی نیست؛ بلکه، به معنای وجوب پوشش و ممنوعیت خودآرایی زن در مقابل مردان بیگانه است. بدین سان و بر طبق تفاسیر و نظریات اندیشمندان، حجاب به معنای «در پرده بودن» مختص به زنان پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) و به منظور حفظ مصالح اجتماعی و سیاسی آن عصر بوده است. تمام فقهای اسلام، حجاب را از ضروریات دینی می‌دانند و در این که زنان می‌بایست به هنگام ادای نماز و در حضور مردان بیگانه، موی سر و تمامی اندام خود را به استثنای صورت و دستها (از مچ به پایین) پوشانند، اتفاق نظر دارند. البته، شفاعیه و برخی از علمای شیعه، پوشانیدن صورت را در حضور بیگانگان، لازم شمرده‌اند.» (شناسوند نقل از اکبری دستک، ۱۳۸۴: ۱۷۹ و ۱۸۷)

بحث و نتیجه گیری

از این مقاله چنین استنباط می‌شود که حجاب تنها مختص مسلمانان و دین اسلام نبوده بلکه همه‌ی ادیان و مذاهب چه به صورت یک وظیفه‌ی اخلاقی و سنتی و چه به عنوان یک وظیفه‌ی دینی، بر این موضوع تأکید داشتند و حتی در مقایسه‌ی بین حجاب‌های متداول و مرسوم، به این نتیجه می‌رسیم که اسلام زن را از حجابی که موجب محدودیت او و عدم فعالیتش در عرصه‌های اجتماعی می‌شد، رها ساخت و حجاب معتدلی را که ضامن استحکام و سلامت خانواده است، به وی هدیه کرد. در خیلی از سوره‌های قرآن کریم، چنین نتیجه‌گیری می‌شود که مسئله حجاب و پوشش، یک امر ذاتی و فطری است که موجب حفظ امنیت و مانعی برای تعرض به زنان است. اسلام در قالب آموزه‌های خود می‌کوشد تا هویت حقیقی زن شناخته گردد. رعایت حجاب موجب حرمت یافتن زن، حفظ کرامت انسانی وی، تحکیم بنیان خانواده و حفظ سلامت جامعه می‌گردد.

منابع

قرآن کریم

- احمدی، سید مهدی (۱۳۸۱) بررسی تطبیقی حجاب در اسلام و سایر ادیان، مجموعه مقالات همایش حجاب، دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساری.
- اکبری دستک، فیض الله (۱۳۸۴) مجموعه مقالات (حجاب پوشش و آراستگی)، ناشر دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج.
- امینی، ابراهیم (۱۳۸۴) آشنایی با وظایف و حقوق زن، مرکز چاپ و نشر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم
- تاج لنگرودی، محمد مهدی (۱۳۷۵) پاسداران حجاب، نشر ممتاز، چاپ اول
- جوهری، محمدرضا (۱۳۸۱) تاریخ حجاب در ادیان و فلسفه پوشش زنان و بازشناسی علل بی حجابی، مجموعه مقالات همایش حجاب، دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساری.
- حاذقی، ابوالفضل (۱۳۶۵) زن از نظر حقوق اسلامی.
- دورانت، ویل، تاریخ تمدن، ترجمه ابوالقاسم طاهری (۱۳۶۸) (جلد اول) چاپ دوم، سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، تهران.
- دورانت، ویل، تاریخ تمدن، ترجمه ابوالقاسم طاهری (۱۳۶۸) (جلد دوازدهم) چاپ دوم، سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، تهران.
- زیدان، جرجی، تاریخ تمدن اسلام، ترجمه علی جواهر الکلام (۱۳۸۲)، انتشارات امیرکبیر، تهران.
- فتاحی زاده، فتحیه (۱۳۷۹) حجاب از دیدگاه قرآن و سنت، ناشر مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ سوم.
- محمد زاده، علی، سلیمانی-خلیل-زهره (۱۳۸۴) زن، حجاب و حقوقی دیگر نگاهی دیگر، نشر فردوس.
- محمدی اشتهااردی، محمد (۱۳۵۷) پوشش زن در اسلام، چاپ اول، کانون انتشارات ناصر، تهران.
- مشکور، محمدجواد (۱۳۶۸) خلاصه ادیان در تاریخ دینهای بزرگ، چاپ سوم، انتشارات شرق، تهران.
- مصطفوی (خمینی)، جعفری ورامینی-فریده-فاطمه (۱۳۸۲) زن از منظر اسلام، ناشر بوستان قم
- مطهری، مرتضی (۱۳۴۷) مسئله حجاب، نشر انجمن اسلامی پزشکان، چاپ اول